

بی گمان این امت شما، امتی یگانه هستند و منپرووردگارتان هستیم، پس مرا بپرستید. انبیاء/۹۲

مسلماً رسالت اسلام درگذر زمان (به مرور زمان) براساس منطق و پرهیز از بدی کردن استوار بوده است. قطعاً (زیرا) خداوند می فرماید: "خوبی و بدی برابری شوند. (بدی را) با آن شیوه ای که بهتر است دور کن که آن گاه کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی صمیمی می شود."

قطعاً قرآن به مسلمانان دستور می دهد که به خدایان دوگانه پرستان و کافران دشنام ندهند. او می فرماید: "به آن هایی که جز خدا را فرا می خوانند دشنام ندهید که (در آن صورت) خداوند یکتا را دشنام می دهند...".

اسلام به دین های الهی احترام می گذارد؛ "بگو ای اهل کتاب، به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است بیایید که جز خدا را نپرستیم و چیزی رانست به او شریک قرار ندهیم."

قرآن بر آزادی عقیده تأکید می نماید: "هیچ اجباری در دین نیست..".

اصرار کردن بر موارد اختلاف و بردشمنی جایز نیست، زیرا کسی از آن سود نمی برد؛ و بر همه ی مردم واجب است که با نگاه داشتن عقاید هریک از آن ها، با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند؛ زیرا "هرگروهی با آن چه دارد (نزدش است)، شاد است." سرزمین های اسلامی مجموعه ای از ملت های بسیار است که در زبان ها و رنگ هایشان متفاوتند (اختلاف دارند).

خداوند بلندمرتبه فرمود: "ای مردم، قطعاً ما شما را از مرد و زنی (نر و ماده ای) آفریدیم و شما را به صورت گروه ها (ملت ها) و قبیله هایی قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. قطعاً گرامی ترین شما نزد خداوند، پرهیزکارترینتان است."

قرآن، ما را به وحدت و یکپارچگی فرمان می دهد. "همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و پراکنده نشوید." همبستگی امت اسلامی به صورت های بسیاری جلوه گر می شود، از آن جمله جمع شدن (گردهمایی) مسلمانان در یک مکان در حج است. مسلمانان یک پنجم ساکنان جهانند که در منطقه ی گسترده ای از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می کنند.

امام خمینی که تربتش پاک باد (یعنی: خدا او را رحمت کند)، فرمودند: .. هرگاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد، پس بدانید که او یا نادان است یا داناییست که تلاش می کند بین صف های مسلمانان پراکندگی بیندازد (ایجاد کند).

و رهبران آیه الله خامنه ای که خداوند او را حفظ کند، فرمودند: هرکس از شما کسی را ببیند که به پراکندگی فرامی خواند، پس او مزدور دشمن است.

**توجه:

- سطر ۵: أَلَا يَسْبُوا = أَنْ لَا يَسْبُوا . - سطر ۸: أَلَا نَعْبُدُ = أَنْ لَنْعَبُدُ . - سطر ۱۱: مَعَ بَعْضِهِمْ : بَعْضُ بَعْضٍ : يَكْدِيغِر .

- مترادف های متن درس : إكراه = إجبار، وَلِيٌّ = صَدِيقٌ، ذَكَرَ = مَذْكَرٌ، أُنْثَى = مَوْثٌ، شُعُوبٌ = قَبَائِلٌ، وَحْدَةٌ = اتِّحَادٌ، سَبَّ = شَتَمٌ .

-متضادهای متن درس : الحسنة و السيئة ، الإساءة و الإحسان ، ولي و عدو ، حريّة و إسارة ، فِرْحون و مَحزونون ، دَكر و أنثى ،
وَحدة و تفرقة .

-ص. ۳۷۰ : نکات وازّه نامه:

-أَتَقَى: پرهیزکار، پرهیزکارترین (بستگی به جمله دارد)، صفت تفضیلی است. *بأَتَقَى (به معنی تقوای خدا پیشه کرد) اشتباه نشود.

-احتِفاظ: نگاه داشتن، حفظ کردن، حروف اصلی: ح ف ظ، ثلاثی مزید (باب افتعال): احتَفَظَ يَحْتَفِظُ احتَفِظُ احتِفاظ

-إِساءة: بدی کردن ≠ إِحسان، حروف اصلی: س و ء، مصدر باب إفعال است: أَسَاءَ يُسِيءُ أَسِئُ إِساءة

*توجه: درصیغه های مختلف دستخوش تغییر شده که از بحث ما خارج است.

-أَشْرَكَ: شریک قرار داد، مُشرك شد، حروف اصلی: ش ر ك، ماضی باب إفعال است: أَشْرَكَ يُشْرِكُ أَشْرِكُ إِشْرَاك

-اعْتَصَمَ: چنگ زد (بداست گرفت)، متمسك شد، حروف اصلی: ع ص م، ماضی باب افتعال است: اعْتَصَمَ يَعْتَصِمُ اعْتَصِمُ اعْتِصَام

-أَكْرَمَ: گرامی تر، گرامی ترین (بستگی به جمله دارد)، صفت تفضیلی است. *بأَكْرَمَ (به معنی گرامی داشت) اشتباه نشود.

-أُنْثَى: زن، ماده = مُؤنث ≠ دَكر

-أَلَا + فعل مضارع: أَنْ لَا ..

-تَعَارَفَ: یکدیگر را شناختن، ≠ تَجَاهَلُ، حروف اصلی: ع ر ف، مصدر باب تفاعل است: تَعَارَفَ يَتَعَارَفُ تَعَارَفُ تَعَارُف

-تَعَايَشَ: همزیستی داشت، همزیستی کرد، حروف اصلی: ع ي ش، ماضی باب تفاعل: تَعَايَشَ يَتَعَايَشُ تَعَايَشُ تَعَايِش

-حُرِّيَّة: آزادی، آزادگی ≠ إِسارَة، حروف اصلی: ح ر ر

-حَمِيم: گرم و صمیمی، حروف اصلی: ح م م

-خِلَاف: اختلاف، حروف اصلی: خ ل ف، مصدر دوم باب مُفاعلة: خَالَفَ يُخَالِفُ امر: خَالَفَ مصدر: مُخَالَفة و خِلَاف

-دَعَا: فراخواند، دعا کرد، دعوت کرد، حروف اصلی: د ع و، ثلاثی مجرد است: دَعَا يَدْعُو امر: أَدْعُ مصدر: دُعَاء

*توجه: درصیغه های مختلف دستخوش تغییر شده که از بحث ما خارج است.

-يَدْعُونَ: (این جا): فرامی خوانند

-دَكر: مرد، نر = مَدَّكَّر ≠ أَنْثَى

-فَرِحَ: شاد، خوشحال، مَسرور = مَسرورٌ ≠ حَزِين، مَحزون

به حرکات این دو کلمه دقت نمایید.

فَرِحَ: شاد، فَرِحَ: شادی

-فَرِحَ: شاد شد، ثلاثی مجرد: فَرِحَ يَفْرَحُ مصدر: فَرِحَ

-فَرَّقَ: پراکنده ساخت، متفرق کرد، جدا کرد، حروف اصلی: ف ر ق، ماضی باب تفعیل: فَرَّقَ يُفَرِّقُ فَرِّقُ تَفْرِيق

-قائد: رهبر، پیشوا، جمع: قَادَة

-سَبَّ: دشنام داد، ناسزاگفت = شَتَمَ، حروف اصلی: س ب ب ، ثلاثی مجرد است: سَبَّ يَسْبُ

-سَلِمِي: مسالمت آمیز . سلم: صلح = صلح ≠ حَرْب

-سَوَاء: یکسان، مساوی. *توجه: با کلمه ی "سوا" در زبان فارسی (به معنی جدا، جداگانه) فرق دارد.

-عَلَى مَرَّالْعُصُور: درگذر زمان، به مرور ایام / عُصُور: دوره ها، روزگاران، مفرد: عَصْر

-لَدَى: نزد، پیش = عِنْد، قید مکان یا زمان است.

-مع بعض: با همدیگر، با یکدیگر، باهم

-يَتَجَلَّى: جلوه گر می شود، جلوه می کند، متجلی می شود، حروف اصلی: ج ل ي، ثلاثی مزید (باب تفعّل) است:

تَجَلَّى يَتَجَلَّى مصدر: تَجَلَّى

-يَجُوزُ: جایز است، حروف اصلی: ج و ز، ثلاثی مجرد است: جَازَ يَجُوزُ مصدر: جَوَاز

-يَسْتَوِي: برابر می شود، برابر است، مساوی می شود، مساوی است، حروف اصلی: س و ي، مضارع باب افتعال است.:

اِسْتَوَى يَسْتَوِي اِسْتَوَى

-يُؤَكِّدُ: تأکید می کند، حروف اصلی: ء ك د، مضارع باب تفعیل است.:: اُكَّدَ يُؤَكِّدُ اُكِّدُ تأکید

-ص. ۳۸ : درك مطلب:

۱. پافشاری کردن برنقاط اختلاف و دشمنی برای دفاع کردن ازحقیقت جائز است. غیرصحیح
۲. رسالت اسلام براساس منطق وپرهیزاز بدی کردن است. صحیح
۳. بر همه ی مردم واجب است که بایکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند. صحیح
۴. بعضی از ملت ها به دلیل رنگ بردیگران برتری دارند. غیرصحیح
۵. یک چهارم ساکنان جهان از مسلمانانند. غیرصحیح

-ص. ۴۱ : التمرین الأول :

۱. رئیس کشور که به مسؤولان فرمان می دهد و آن ها رابرای انجام تکلیف هایشان نصیحت می کند : قائد
۲. شناختن یکدیگر (شناخت پیدا کردن بریکدیگر) : التَّعَارُف
۳. کسی که برای مصلحت دشمن کارمی کند : العَمیل
۴. یک قسمت از پنج : الخُمس

والسلام
حقیقی